

باید‌های سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا جدید

محمد مهدی مظفهری
تحلیلگر مسائل بین الملل

نحوه مواجهه با دوره جدید ترامپ‌سیسم و سیاست های این رئیس جمهور پر مدعا و تاجر پیشه آمریکا در قبال منطقه غرب آسیا و به ویژه ایران به یکی از چالش های اصلی دستگاه دیپلماسی کشورمان تبدیل شده است. دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ برای مردم ایران با خطرات بسیار تلخی همراه است. در حالی که نهال نوپای برجام که حاصل تلاش های دیپلماتیک ایران و قدرت های جهانی بود، به تدریج قد می کشید و مردم ایران منتظر ثمرات آن در عرصه های اقتصادی و سیاسی بودند، ترامپ با خروج از این پیمان خط بطلانی بر همه این تلاش ها و آمال ها کشید و به صورت کامل خودمحورانه سخت ترین تحریم های اقتصادی را بر علیه کشورمان تصویب کرد. وی همچنین در یک ترور و زکرائنه آشکار، سردار محبوب ایرانی، حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و مردم رنج کشیده ایران را داغ دار نمود. حال این سؤال اصلی که ذهن همه این تحلیلگران را به خود مشغول داشته این است که آیا سیاست خارجی ترامپ در این دوره جدید نیز تداوم همان سیاست های خصمانه دوره قبل است و دولت و مردم ایران باز هم باید منتظر تشدید تحریم ها، فشارها و توسعه نامنی در حوزه ژئوپلیتیکی پیرامونی خود باشند؟ یا توجه به شناختی که حداقل اکنون از شخصیت و تیپ رفتاری ترامپ داریم، باید گفت پاسخ دقیق به این سؤال چندان آسان نیست. م مثل سیاستمداران کارگرفته یک طرح واره و نگرش ثابت و کلی از نظام جهانی و اصول و هنجارهای بین المللی در ذهن ندارد، بلکه راهنمای اصلی وی در سیاست خارجی اولویت دادن به برتری آمریکا از طریق حفظ و ارتقای منافع و امنیت این کشور آن هم به هر قیمتی است. در این مسیر همه کشورها و کنشگران فعال نظام بین الملل باید به گونه ای در زمین بازی آمریکا قرار بگیرند که منافع و اعتبار این کشور تأمین شود و مطالبات متقابل آنها تا جایی برای ترامپ اهمیت دارد و قابل قبول است که به شعار «اول آمریکا» ی وی لطمه نزند. هرچند این خصوصیات اخلاقی- رفتاری ترامپ، می تواند چالشی بزرگ برای مذاکرات دیپلماتیک باشد، اما برخی پتانسیل های امید بخش نیز در دوره دوم دولت ترامپ نهفته است که انتظار می رود دیپلمات های ایرانی بتوانند از آنها را فعال کرده و از حالت قوه به فعل درآوردند و از آنها در راستای تبدیل تهدیدات به فرصت برای کشور استفاده کنند. نخستین مسأله این است که ترامپ هم اکنون مدعی است شرایط بحرانی منطقه غرب آسیا حاصل سیاست های غلط دموکرات ها بوده که اگر او رئیس جمهور آمریکا بود، اتفاق نمی افتادند و حال نیز او قادر است به حل و فصل آنها بپردازد. هرچند بر اساس سابقه کاری ترامپ این رویکرد می تواند حاوی تهدیداتی برای ایران و دلگرمی هایی برای اسرائیل باشد، اما در عین حال یک پیام مهم را نیز در خود نهفته دارد، اینکه ترامپ خواهان پایان جنگ غزه و لبنان و مخالف تشدید تنش ها بین ایران و اسرائیل است. این دقیقاً همین سیاستی است که جمهوری اسلاهی ایران نیز بارها اعلام کرده و دولت ایران نیز همواره بر آن تأکید دارد. در این صورت ترامپ منفعت گرا مایل نیست در ابتدای شروع به کار دولتش، به نیابت از رژیم اسرائیل وارد یک جنگ پرهزینه با ایران شود. از این رو به نظر می رسد پتانسیل های بسیاری برای پایان دادن به جنگ های غزه و لبنان و وضعیت آشوبناک منطقه غرب آسیا وجود دارد و لازم است بدون فوت وقت ابتکار عمل ها، پیشنهادات و راهبردهای متعدد و متنوع برای تحقق این امر طراحی و آماده ارائه شود. مسأله مهم دیگر وضعیت برجام است. دولت ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری خود خواهان تغییر و اصلاح برجام شد و زمانی که با پاسخ منفی ایران و سایر کشورهای امضا کننده مواجه گردید، کشورش را از این پیمان خارج نمود و بدین ترتیب این پیمان بین المللی را بی اثر کرد. در آن زمان برجام تازه تأسیس و به طور نسبی مطلوب ایران بود، در نتیجه مقامات کشورمان حاضر به تغییر آن نگردیدند. حال با گذشت نزدیک به ۱۰ سال از امضای این پیمان، شرایط در بسیاری از حوزه ها تغییر کرده، برخی از تعهدات ایران در این پیمان به سر رسیده و در نتیجه طبق گفته بسیاری از مقامات مسئول، دیگر خود ایران نیز مایل به تداوم آن پیمان به شکل سابق نیست و برای ایجاد تغییراتی در آن و امضای یک پیمان جدید آمادگی دارد. البته طبیعی است که بین تغییراتی که ایران در نظر دارد و تغییراتی که دولت ترامپ فکر می کند باید در این پیمان گنجانده شود، تفاوت های بسیاری وجود دارد، اما بده- بستان و شکل دادن به مذاکرات برد- برد تخصص دیپلمات های کارگشته ایرانی است و می توان امیدوار بود در صورتی که عزم جدی برای حل مشکلات کشور وجود داشته باشد، در مذاکرات جدید منافع کشور بهتر و جامع تر تأمین شود و سایه بحران، تهدید و تحریم برای همیشه از سر کشور برداشته شود. بر خلاف برخی تصورات از انعطاف ناپذیری ترامپ، اشتیاق ساده لوحانه وی برای به نمایش گذاشتن تصویر یک «ابر قهرمان حلال همه مشکلات» از خود، سبب می شود تا او هم برای رسیدن به موافقت با ایران مشتاق باشد و از دادن برخی امتیازات خودداری نکند. بنابراین چنانکه دولت جدید ایران در وعده های خود مبنی بر تلاش برای رفع تهدید ها و حل مشکلات سیاست خارجی برای ایجاد رفاه و توسعه در ایران مصمم است، باید از این بزنگاه پیش آمده استفاده کند و مقامات دستگاه دیپلماسی نیز با فاصله گرفتن از شعارهای غیرواقع بینانه و تند که برخی محافل سیاسی به آنها توصیه می کنند، اما تجربه گذشته نشان داده حاصلی جز نابودی منافع ملی کشور و افزایش تحریم و تهدید برای مردم ایران ندارد. از حالت انفعالی وقت خاسی خارج شده و به سرعت برای طراحی یک سیاست خارجی فعال، پویا و مبتکرانه اقدام کند.

غلامعلی رجایی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان باید برای مذاکره با آمریکا چانه زنی کند

پزشکیان تلاش کند برای مذاکرات اختیاراتی بگیرد

در مذاکره با آمریکا باید از برخی مسائل به سود منافع ملی عبور کرد

آرمان ملی - احسان انصاری: در شرایطی که ترامپ دوباره به قدرت رسیده هنوز استراتژی دولت پزشکیان برای لغو تحریم ها که یکی از وعده های مهم وی به مردم بود محقق نشده است. این در حالی است که دو مانع مهم برای مذاکره با آمریکا وجود دارد. نخست غیرقابل پیش بینی بودن ترامپ است که در مقاطع مختلف آن را نشان داده و دوم اینکه وی در دوره قبل دشمنی خود را با ایران نشان داده و به همین دلیل فضای مثبتی برای مذاکره با دولت وی وجود ندارد. در چنین شرایطی دولت پزشکیان برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و تعامل با جهان می تواند از ابزار مذاکره برای حفظ منافع ملی استفاده کند. مسیری که البته به نظر پر چالش و دشوار است و با موانع زیادی همراه خواهد بود. «آرمان ملی»

◀ **در حالی که ترامپ در آمریکا به قدرت رسیده دولت پزشکیان چگونه می تواند به وعده هایی که درباره لغو تحریم ها به مردم داده عمل کند؟ آیا شرایط به سمتی خواهد رفت که ایران و آمریکا مذاکره کنند؟**

موضوع رابطه با آمریکا در سطحی فراتر از دولت تصمیم گیری می شود و دولت ها تنها اجراکننده هستند. در ماجرای برجام نیز آقای ظریف به صراحت گفتند که ما تنها مجری بودیم و تصمیمات در جای دیگری گرفته می شد. به همین دلیل در شرایط کنونی تصمیم درباره نحوه مواجهه ایران و آمریکا را باید در چارچوب تصمیماتی در نظر گرفت که در سطح بالاتر از دولت گرفته می شود. آقای روحانی با توجه به صحبت هایی که با مسئولان ارشد کشور داشتند، اجازه هایی کسب کردند که در نهایت به گفت وگویی مستقیم توسط آقای ظریف و جان کری و توافق برجام منجر شد. به همین دلیل اگر آقای پزشکیان به دنبال حل ریشه ای و اساسی مشکلات بین ایران و آمریکا است باید تلاش کند هماهنگی های لازم را با مسئولان ارشد کشور به عمل آورد، شرایطی فراهم کند که دولت بتواند وارد این مسیر شود. این در حالی است که ایران غیر از ماجرای برجام در چند مسأله دیگر که اهمیت بسیار هم داشته، با آمریکا مذاکره کرده است. من فکر می کنم اگر آقای پزشکیان بتوانند در این موضوع اختیاراتی از مقام رهبری دریافت کنند یا توجه به کشورهایی که در سال های اخیر تلاش کرده اند بین دو کشور واسطه گری کنند، می توان انتظار داشت که ترامپ در باب مذاکره بین ایران و آمریکا باز شود. در سال های اخیر کشورهای مانند عمان و قطر تلاش کرده اند بین ایران و آمریکا میانجی گری کنند. در شرایط کنونی رفت و آمدهای مقامات ایران و عربستان افزایش پیدا کرده و اگر مسئولان به جمع بندی برسند، این کشور نیز می تواند در این زمینه نقش آفرینی کند. خود رئیس جمهور جدید آمریکا هم بی تمایل به مذاکره نیست و در گذشته نیز این موضوع مطرح شد اما به جایی نرسید. واقعیت این است که آقای پزشکیان باید تلاش کند با چانه زنی زمینه های مذاکره با آمریکا را به وجود بیاورد و اگر چنین نشود، تغییر چندان ایجاد نخواهد شد.

◀ **با وجود شخصی مانند ترامپ در مقام ریاست جمهوری آمریکا، پزشکیان چگونه می تواند مسئولان عالی کشور را به مذاکره با آمریکا متقاعد کند؟**

با توجه به تبلیغات شدید ضد ایرانی که در رسانه های معاند دیده می شود، این شائبه مطرح شده که ایران قصد ترور ترامپ را داشته است. ادعایی غیر قابل اثبات که البته ممکن است تاثیرگذار باشد. اگر این ادعاها ی بی اساس بر ترامپ اثر بگذارد، می توان انتظار داشت که ترامپ در مقابل ایران کوتاه نیاید و از تمام توانش برای ضربه زدن استفاده کند. اگر ما قصد داشته باشیم مذاکره با آمریکا را عقب بیندازیم رابطه ایران و آمریکا به جایی نخواهد رسید و مشکلی حل نخواهد شد. بسیار دشوار است که بتوان چهار سال منتظر ماند تا فرد دیگری در آمریکا به قدرت برسد و بعد



هاشمی تلاش کرد

مسأله آمریکا را در

زمان حیات امام

برای همیشه حل کند

برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر غلامعلی رجایی استاد دانشگاه و فعال سیاسی اصلاح طلب گفت وگو کرده است. رجایی در این زمینه معتقد است: «در شرایط کنونی این شائبه مطرح شده که ایران دوباره قصد ترور ترامپ را داشته که البته این ادعا قابل اثبات نیست. با وجود این ادعاها می توان تصور کرد که ترامپ به راحتی در مقابل ایران کوتاه نیاید. اگر ما قصد داشته باشیم مذاکره با آمریکا را عقب بیندازیم سرچشمه رابطه ایران و آمریکا به جایی نخواهد رسید و مشکلی حل نخواهد شد. بسیار دشوار است که بتوان چهار سال منتظر ماند تا فرد دیگری در آمریکا به قدرت برسد و بعد با او مذاکره کرد. این در حالی است که آمریکا در منطقه اثرگذار است و این موضوع رانمی توان انکار کرد.» در ادامه ما حاصل این گفت وگو را می خوانید.

موضوع رابطه با آمریکا در سطحی فراتر

از دولت تصمیم گیری می شود و دولت ها

تنها اجراکننده هستند. در ماجرای برجام

نیز آقای ظریف به صراحت گفتند که ما تنها

مجری بودیم

با او مذاکره کرد. در شرایط کنونی آمریکا در منطقه اثرگذار است و این موضوع را نمی توان انکار کرد. به نظر برخی تحلیلگران سرانجام باید زمانی مشکلات بین دو کشور حل مجاب کند. آنچه که اهمیت بسیار دارد، توجه به روشی است که از سوی مقام معظم رهبری دنبال شده است. روش مقام رهبری در سال های اخیر تک بعدی و یک طرفه بوده و ایشان در برخی مسائل که لازم بوده، اجازه گفت وگو را داده اند. مثال های زیادی در این زمینه وجود دارد که برخی را ذکر کرد. آقای پزشکیان به عنوان منتخب ملت می تواند باب گفت وگو با باز کند. اینکه به چه میزان این چانه زنی ها ممکن است به نتیجه برسد بستگی به شرایط کشور و مسائل منطقه خواهد داشت. نکته دیگر اینکه با توجه به تنش هایی که بین ایران و اسرائیل در ماه های اخیر وجود داشته، شاید مذاکره با آمریکا بتواند به سود ما و کاهش تنش ها باشد. قدر مسلم اینکه رژیم صهیونیستی از نزدیکی ما و آمریکایی ها بسیار در هراس است و این نزدیکی را برخلاف منافع خود می داند. شاید حتی بتوان در موضوع لبنان و غزه هم شرایط جدیدی پدید آورد. به نظر من اگر با آمریکا و اردک مذاکره مختصر و متمرکز شویم این احتمال وجود دارد که ترامپ تمز اسرائیل را بکشد تا ببیند مذاکره با ایران به کجا خواهد کشید.

◀ **به نظر می رسد دو مانع مهم یعنی غیرقابل پیش بینی بودن ترامپ و سابقه او در دور قبلی ریاست جمهوری اش دو مانع مهم برای مذاکره ایران با آمریکا در آینده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟**

اگر اگر راست ما روی اختلافات تاریخی که با آمریکا داشته ایم تأکید کنیم، باید مسائل مختلفی را مطرح کنیم. به عنوان مثال چرا آمریکا زمینه های کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را فراهم کرد و شاه را به ایران برگرداند که رژیم پهلوی برای ۲۵ سال دیگر ادامه پیدا کند؟ اما امروز کمتر کسی روی این موضوع حساس است. ما باید از برخی مسائل تاریخی به سود منافع ملی امروز عبور کنیم. زمانی که پیامبر اسلام وارد مکه شدند و سپاه اسلام مکه را فتح کردند، پیامبر مردم مکه را بخشدند و روی اختلافات و مشکلاتی که در گذشته داشتند، تأکید نکردند. دلیل این موضوع نیز این است که فتح مکه دستاورد های بیشتری نسبت به دادن زدن به اختلافات برای مسلمانان داشت. به همین دلیل نیز ما می توانیم به دلیل مصالح و منافع کشور اولویت ها را مشخص کنیم و برخی مسائل را که تأکید روی آنها می تواند روند مذاکره را مختل کند، کنار بگذاریم. اگر ما بخواهیم پیوسته موضوعات گذشته را مطرح کنیم ممکن است پیامدهای منفی برای منافع ملی داشته باشد. نکته دیگر اینکه ترامپ فرد قابل پیش بینی نیست و کسانی که عنوان می کنند نمی توان روی قول های وی حساب کرد، حرف گزافی نمی زنند و در سوی دیگر موانع مهمی نیز در داخل کشور وجود دارد که شاید نتوان به راحتی آنها را نادیده گرفت. به همین دلیل در مجموع من چشم انداز رابطه ایران با آمریکا را بعد از به قدرت رسیدن ترامپ، مثبت نمی بینم.

دیدار ایلان ماسک با سفیر ایران در سازمان ملل

معافیت های تحریمی از وزارت خزانه داری آمریکا دریافت می شود؟

ماسک از ظرفیت لازم برای این ماموریت برخوردار است. وی افزود: این یک نشانه است که دونالد ترامپ میخواهد آمریکا را از منجذاب ایران و خصومت های بی پایان و بی نتیجه نجات دهد و ترلیوونها دلار هزینه های جنگ و خصومت را صرف توسعه زیر ساخت ها و اقتصاد آمریکا کند. تجربه دوره قبلی ریاست جمهوری ترامپ احتمالاً به او نشان داده که افزایش تنش بین ایران و آمریکا در نهایت ضربه ای به ایران وارد

تلنگر

ایران و بحرین در مسیر عادی سازی روابط

انرژی: برگ برنده تهران

۲۱ اکتبر، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران از منامه بازدید کرد و با پادشاه حمد بن عیسی آل خلیفه دیدار داشت، دیداری که نقطه عطفی مهم در روابط ایران و بحرین قلمداد می شود، چرا که دو بازیگر از سال ۲۰۱۶ تا به امروز رابطه دیپلماتیک نداشتند. این اولین سفر یکی از وزیران خارجه ایران به بحرین از سال ۲۰۱۰ است که در بحبوحه تشدید رویارویی نظامی بین ایران و اسرائیل انجام شد. در حالی که بحرین و ایران هنوز روابط دیپلماتیک و اقتصادی کامل خود را احیا نکرده اند، سفر عراقچی گامی رو به جلو در روندی است که طی پنج ماه گذشته سرعت گرفته است. با این حال، مسیر عادی سازی روابط تهران و منامه همچنان مملو از موانع ساختاری عمیق است که ریشه در ناراضی های تاریخی، بیچیدگی های ژئوپلیتیکی و سوطن های متقابل پایدار دارد.

◀ **مسئور دشوار عادی سازی**
به ادعای موسسه شورای روابط جهانی خاورمیانه پیشرفت های دیپلماتیک اخیر در روابط بحرین و ایران با تغییر رویکرد پادشاهی در باب مخالفت های داخلی، به ویژه در رابطه با اکثریت جمعیت شیعه این کشور، انجام شد. ماه آوریل، بحرین هزاران زندانی سیاسی شیعه را در اقدامی بی سابقه و برای کاهش تنش های داخلی آزاد کرد. این امر در حالی که ظاهراً به تعامل با تهران بی ارتباط بود، با یک سری رست های دیپلماتیک قابل توجه نسبت به تهران برجسته شد. در چنین شرایطی وزیر خارجه بحرین عبداللطیف بن راشد الزینیان در مراسم تشییع پیکر ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری فقید ایران شرکت کرد. ماه ژوئن، بحرین از طریق روسیه پیامی مبنی بر ابراز تمایل خود برای برقراری مجدد روابط با ایران ارسال کرد. گفته می شود پادشاهی بحرین در جریان دیدار خود با لی کنیاگ، نخست وزیر چین در یکن، از تمایل این بازیگر برای تعامل با تهران گفته بود. ۲۳ ژوئن، بحرین و ایران توافق کردند که مذاکرات دو جانبه را آغاز کنند و الزانی به تهران سفر کند تا امکان از سرگیری روابط دیپلماتیک کامل را بررسی کند. همزمان ملک حمد ماه ژوئیه به مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید ایران تبریک گفت و پس از آن نماینده این کشور در مراسم تحلیف پزشکیان شرکت کرد. تااستنا شاهد ادامه تبادلات میان مقام های دو کشور در سطح بالا- از جمله تماس های تلفنی و دیدار در جلسات مجامع بین المللی مانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نشست گفت وگویی همکاری آسیا در دوحه- بودیم. این پیشرفت های دیپلماتیک قابل توجه هستند، اما تنها آغازی اند برای عادی سازی، مسیری که دشوار است. در حالی که ایران در نبره استققال بحرین را با پذیرفتن نتایج بررسی سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ به رسمیت شناخت و دو کشور توافقنامه فلات قاره را امضا کردند، اما تنش ها همچنان ادامه داشت. این وضعیت پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران و کودتای فروردین ۱۹۸۱ در بحرین بدتر شد. به ادعای تحلیلگران این رویدادها نگاه بحرین به ایران را به عنوان تهدیدی برای خاندان پادشاهی تقویت کرد.

◀ **پشت پرده تنش ها**

در اوایل دهه ۲۰۰۰، به ویژه در جریان سفر رئیس دولت اصلاحات به منامه در سال ۲۰۰۲ و بحث در مورد خط لوله گاز طبیعی که از ایران به بحرین می رود، تنش ها موقتاً کاهش یافت. با این حال، این تلاش ها تحت الشعاع همسویی فزاینده بحرین با ایالات متحده قرار گرفت، به ویژه پس از حضور مسترده ارتش ایالات متحده در بحرین پس از سال ۲۰۰۱. در واقع، حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در بحرین به نقطه اختلاف مهمی برای ایران تبدیل شد و در سال ۲۰۰۷ تنش ها میان دو بازیگر به اوج رسید. قیام های اعراب در سال ۲۰۱۱ روابط طرفین را برتنش تردک.

◀ **انرژی: نقطه اتصال**

گفت وگوها منامه در ۲۱ اکتبر ارتباط نزدیکی با تلاش های ایران برای مدیریت تنش های حاصل از تجاوز اسرائیل در اوایل ماه جاری داشت. در حالی که بحرین به یک شریک نظامی مهم برای اسرائیل تبدیل شده است، بعید بود به نیروهای آمریکایی یا اسرائیلی اجازه دهد از خاکش برای حملات علیه ایران استفاده کنند. با وجود چالش های اساسی، زمینه هایی وجود دارد که همکاری ایران و بحرین می تواند نتیجه بخش باشد. یکی از بخش ها انرژی است. نیاز فزاینده بحرین به گاز طبیعی، همراه با ذخایر فراوان ایران، زمینه بالقوه ای برای همکاری اقتصادی فراهم می کند. بحث در مورد صادرات گاز از ایران به بحرین، که در اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شد، نشان دهنده منافع متقابل است. اگرچه این مذاکرات به دلیل نگرانی های سیاسی و امنیتی متوقف شده است، محیط ژئوپلیتیک گسترده تر، به ویژه تحریم های ایالات متحده علیه ایران، احتمالاً سرعت پیشرفت در این زمینه را تسهیل خواهد کرد. روابط تجاری اگرچه محدود است، اما فرصتی برای تعامل نیز ایجاد می کند. بیشتر تمرکز قبلی بر تسهیل سفرهای مذهبی و خانوادگی، به ویژه برای جامعه شیعیان بحرین است.